

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: ایده‌های متباین

قومی و جمعیت رو به رشد جوان

دکتر حمید هادیان*

امروزه بعد نرم‌افزاری امنیت ملی کشورها حلقه سازنده در سیاستگذاری عمومی تلقی می‌شود و در این میان ایده‌های قومی، هویت‌های اقلیتی، جوانان و زنان می‌توانند پارامترهای قابل ملاحظه‌ای باشند. با فروپاشی اتحاد شوروی و جنگ عراق پتانسیل‌های لازم برای سیاسی شدن هویت‌ها و به هم خوردن دموگرافی کشورهای چند قومی منطقه خاورمیانه بزرگ فراهم شده است. سیاسی شدن هویت‌ها، انباشتگی جوانان، زنان و سایر نیروهای اجتماعی از پارامترهای قابل ملاحظه در محاسبه بعد نرم‌افزاری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. رویکرد دموکراسی و ثبات سیاست جدید خاورمیانه‌ای دولت امریکا پس از ۱۱ سپتامبر به دنبال مدیریت سیاست‌های هویت در بستر انقلاب شبکه‌ای ارتباطات در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ است. البته شبکه‌های ایمن‌سازی هویت‌ها با جغرافیای انسانی و جغرافیای سیاسی کشورهای چند قومی منطقه ارتباط دارد. برگزاری سمینار اخیر انستیتو آمریکایی اینترپرایز^۱ با نام «ایران ناشناخته: مورد فدرالیسم» از سوی مایکل لدین قابل اهتمام ویژه‌ای است. انستیتو مذکور از مخازن مشهور فکری بوشیست‌ها در طرح و برنامه‌ریزی سیاست امنیت ملی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر به‌شمار می‌رود. به‌خاطر داشته باشید که منازعه نوعی رفتار در جوامع انسانی است بنابراین مطالعات کمی و کیفی درباره منازعات قومی در جوامع چندپاره قومی کشورها بسیار جدی است. و از منابع متعدد ناآرامی در منطقه خاورمیانه بزرگ محسوب است که تهدید جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی نامیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قومیت، امنیت ملی، جدایی‌طلبی، سیاست هویت، ایران، جمعیت رو به رشد جوان

* دکتری روابط بین‌الملل و پژوهشگر در مسایل استراتژیک.

E-mail: phadian_2005@yahoo.com

1. Interprise Institute

مقدمه

شکل‌گیری فرمول ادراکی و رفتاری امنیت ملی کشورها تابع متغیرهای مستقل بی‌شماری است و رهیافت سطح تحلیل^۱ در دانش سیاسی به گونه‌شناسی و تیپولوژی آن‌ها می‌پردازد. یکی از متدهای رایج در گونه‌شناسی چندین متغیر مستقل، تهیه لیست کوتاه^۲ و سپس انتخاب یکی از متغیرهای مستقل شکل دهنده در فرمول امنیت ملی کشور مورد نظر است. هویت‌ها و ایده‌های متباین^۳ قومی یکی از متغیرهای مستقل مندرج در لیست فرمول امنیت ملی کشورهای چند قومی^۴ به‌شمار می‌رود. سند امنیت ملی هر کشور نسبت به هویت‌های قومی با تدوین سیاست، استراتژی و دکترین، توسعه پیدا می‌کند و هنوز بسیاری از کشورهای چند قومی در فراز و فرود تنظیم فرایند اداری - سیاسی آن هستند و در تنظیم این فرایند اداری - سیاسی باید به مسأله بسیار مهم توجه داشت و آن ماهیت متباین ایده‌ها و هویت‌های قومی است. به این معنی که بُعد تضاد و افتراق آن‌ها با بُعد همبستگی و اتفاق آنها توأم است. بدین ترتیب ایده‌ها و هویت‌های قومی به همان میزان که می‌توانند زیرساخت پایه‌های محکم و همبستگی ملی کشورها محسوب شوند، همزمان می‌توانند با طرح مطالبات و توقعات فزاینده تاریخی به قطبی کردن جامعه ملی کمک کنند و ایده جدایی طلبی^۵ را جایگزین ایده همبستگی کنند. این مسأله زمانی جلب توجه می‌کند که بپذیریم براساس رهیافت ساختار - کارگزار^۶ پروفیسور کنت والتز^۷، تأثیر شرایط بین‌المللی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها روبه فزونی است. شرایط بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر موكداً سیاست‌ها و مواضع امریکا را به مسائل حساس خاورمیانه، به‌ویژه مسائل قومی، حقوق بشر، امنیت بشری، امنیت منطقه‌ای، تروریسم و کشتار جمعی در پیوند با امنیت بین‌المللی گره زده است. بر این اساس است که توصیه گزارش ۴۵۰ صفحه‌ای کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب ۱۱ سپتامبر، ارتباط دولت امریکا را از طریق گردش جهانی آزاد اطلاعات با ملت‌ها - به‌ویژه جمعیت رو به رشد جوان و قومیت‌ها پیش از دولت‌های خاورمیانه متمرکز کرده است تا از طریق طرح خاورمیانه بزرگ، دموگرافی جدید منطقه را با سیاست جدید خاورمیانه‌ای امریکا

1. Analysis Level Approach
2. Shorter List
3. Distinct
4. Multi-Ethnic Countries
5. Secession
6. Agency-Structure Approach
7. Kenth Waltz.

متوازن سازد.

بدین ترتیب امنیت بشری و هویت‌های قومی با صلح و امنیت منطقه‌ای گره خورده و گسترش و تعمیق منازعات مسلحانه قومی^۱ با ثبات و امنیت بین‌المللی ارتباط عمیقی پیدا کرده است.

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای چند قومی منطقه، از امنیت چند بُعدی^۲ برخوردار است که در بُعد نرم‌افزاری مشتمل بر ارتباط مسأله قومیت‌ها با امنیت بشری و بین‌المللی است. تنوع و تکثر قومی در ایران همواره فرصت ملی و تاریخی بوده است، ولی چهره متباین این ایده و سیاسی شدن آن، هویت‌های قومی را به چالش‌های ملی پیش روی کشور تبدیل کرده است.

این مقاله به دو بخش آسیب‌شناسی و سیاستگذاری تقسیم می‌شود. بخش آسیب‌شناسی بیش‌تر به ایده‌های متباین قومی در ادراکات و رفتار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. بخش سیاستگذاری نیز بیش‌تر به ضرورت تدوین سیاست، استراتژی و دکترین امنیت ملی ملحوظ در سند امنیت ملی و بوروکراسی سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران معطوف است (که از پردازش به آن صرف‌نظر می‌شود).

اهمیت پرداختن به این مباحث از آن‌جا ناشی می‌شود که به خاطر داشته باشیم همچنان که آندره بنت^۳ فروپاشی اتحاد شوروی را نه در پی جنگ و غرش تانک‌ها، بلکه نتیجه توسعه نیافتگی (منظور توسعه توأم سه پایه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) و گسترش منازعات مسلحانه قومی در جمهوری‌های سابق می‌داند، گراهام فولر نیز شاکله جغرافیایی - سیاسی ایران را حاصل تحکیم زیرساخت هویت ایرانی و مذهب تشیع می‌داند و گوشزد می‌کند که در طول تاریخ، متباین بودن ایده قومی زمینه‌ساز سقوط نظام سیاسی شده و حتی باعث به خطر افتادن موقعیت جغرافیایی - سیاسی کشور ایران همراه شده است.

نکته آخر این‌که، این گزارش صرف‌نظر از بار دینی، مذهبی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی ایده‌های متباین قومی در ایران، بیش‌تر به بار سیاسی و امنیتی آن در بستر نرم‌افزاری فرمول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر نگرش آسیب‌شناسی می‌پردازد؛ زیرا برجستگی این آسیب‌شناسی با توجه به رویکردهای جدید امریکا در امور خاورمیانه اجتناب‌ناپذیر است.

1. Ethnic Armed Conflicts

2. Hybrid

3. Ander Benet.

۱. سیاسی شدن ایده و هویت قومی در شرایط بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر

از آثار و تبعات فرایند جهانی شدن، گسترش و تعمیق انقلاب شبکه‌ای ارتباطات و اطلاعات است؛ تا جایی که انقلاب شبکه‌ای با ماهیت و کارویژه‌ای متباین، از یکسو از ابزارهای مدرنیته و از سوی دیگر از ابزارهای جنگ نامتقارن^۱ است. برای مثال؛ از نکات مندرج در اسناد غیرطبقه‌بندی شده مطالعاتی جامعه اطلاعاتی آمریکا،^۲ نگرانی عمیق از به کارگیری ابزارهای انقلاب شبکه‌ای به‌وسیله گروه‌های به هم پیوسته تروریستی^۳ است و در متون جدید روابط بین‌الملل نیز از اشکال جدید تروریسم یعنی Cyber-Terrorism نام برده شده است.^۴

محور اصلی ابتکار مشارکت عمیق آمریکا در امور خاورمیانه^۵ ارائه شده از سوی وزیر خارجه سابق آمریکا، ژنرال کالین پاول و طرح خاورمیانه بزرگ^۶ دولت بوش، فاصله گرفتن دولت آمریکا از دولت‌های استبدادی عربی منطقه خاورمیانه و نزدیک شدن به ملت‌های منطقه، به‌ویژه جمعیت روبه رشد جوان و زنان به‌عنوان نیروی اصلی و کار جامعه انسانی منطقه است.^۷

پروفسور گراهام فولر در کتاب دموگرافی جدید خاورمیانه و سیاست خارجی جدید آمریکا، از نزدیک شدن دولت آمریکا به جمعیت رو به رشد جوان نام می‌برد. وی در این کتاب، جمعیت رو به رشد جوان منطقه خاورمیانه را انباشتگی جوانان^۸ می‌نامد و می‌گوید: ایده‌ها و هویت‌های قومی در کشورهای چند قومی منطقه به‌طور روزافزونی در فضای جمعیت روبه رشد آن دیده می‌شود.^۹

مخرج مشترک توصیه‌های ابتکار ژنرال پاول، طرح خاورمیانه بزرگ دولت بوش و کتاب مذکور گراهام فولر، نزدیک شدن آمریکا به ملت‌های خاورمیانه از طریق گردش جهانی آزاد

1. Asymmetrical War

2. Intelligence Community

3. Terrorism Affiliate Networks and Groups

4. www.cia.:Intelligence Community.

5. US. Partnership Intiative in the Middle East

6. Greate ME Plan

. حمید هادیان، «تجارب طرح مارشال برای طرح خاورمیانه بزرگ»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰،

نیمه دوم فروردین، ۱۳۸۳.

8. Youth Bulge

9. Graham E.Fuller, The Youth Factor: The New Demographics of The ME and The Implications for US.Policy (US, the Brookings Institute, SABAN Center, 2004).

اطلاعات و ارتباطات مبتنی بر انقلاب شبکه‌ای است. در واقع گردش جهانی آزاد اطلاعات به تدریج به فروپاشی دیوارهای سنتی حاکمیت دولت‌های خاورمیانه منجر می‌شود و با فروپاشی سیطره و تسلط سنتی دولت‌ها، ایده‌های جمعیت خاورمیانه، به‌ویژه ایده‌ها و هویت‌های قومی، «سیاسی»^۱ می‌شود.

همان‌گونه که جهانی شدن، پایان جغرافیا نامیده می‌شود، گردش جهانی آزاد اطلاعات نیز موجب بیدار شدن ذهنیت‌ها، ایده‌ها و هویت‌های تاریخی از جمله هویت‌های قومی می‌شود. در این جا بررسی دو موضوع ضروری به نظر می‌رسد:

۱. چگونه ایده‌ها و هویت‌های قومی، سیاسی می‌شود و بُعد تضاد و جدایی آن از چهره متباینش ساطع می‌گردد؟

۲. چگونه گردش جهانی آزاد اطلاعات به سیاسی شدن ایده‌ها و هویت‌های قومی در فضای فراملی و فراملی می‌پردازد؟^۳

منظور از سیاسی شدن ایده‌ها از جمله ایده‌ها و هویت‌های قومی این است که ایده‌ها، آرمان‌های نهفته‌ای هستند که در طول تاریخ در حافظه بشری به شکل منابع بالقوه ذهنی وجود دارند، اما هنگامی که انگیزه‌های عینی پیدا می‌کنند و به شکل مطالبات و توقعات عینی ماتریالیستی چون دولت قومی، سرزمین قومی و از این قبیل درمی‌آیند، دیگر بُعد سیاسی پیدا کرده‌اند. بدیهی است که دولت مرکزی در تضاد با سیاسی شدن مطالبات تاریخی هویت‌های قومی، راه‌های مصالحه‌جویانه یا جنگ‌طلبانه را در پیش می‌گیرد و در شکل دوم آن، منازعات مسلحانه قومی با مطامع و مداخلات خارجی و با هدف تجدیدنظرطلبی در می‌گیرد.

همان‌گونه که اشاره شد، ایده‌ها و هویت‌های قومی دارای ماهیت متباین هستند و بُعد تضاد و افتراق آن‌ها با بُعد همبستگی و اتفاق‌شان توأم است. ایده‌ها و هویت‌های قومی می‌تواند مبنای همبستگی ملی کشورها به‌ویژه کشورهای چند قومی باشند، همچنان‌که می‌توانند با طرح مطالبات و توقعات فزاینده تاریخی به قطبی کردن جامعه ملی کشور هدف پرداخته و طرح تجدیدنظرطلبی و جدایی‌طلبی^۴ را دنبال کنند. ایده‌ها و هویت‌های قومی محصول مهندسی جغرافیایی-سیاسی و مرزبندی‌های تصنعی کشورها، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه

1. Politicized

2. Polarization

3. Jack Snyder, *Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition*, (Ithaca: Cornell University Press, 1991).

4. Secession

پس از جنگ جهانی اول است. سیاسی شدن ایده‌ها و هویت‌های قومی غول‌های خفته تاریخی را به درنوردیدن هنجارهای ژئوپلیتیک فرا می‌خواند. برای مثال؛ پروفیسور ایوب از منظر رویکرد امنیتی جهان سوم، به‌ویژه کشورهای چند قومی و هویت‌های قومی را برای کشورهای چند قومی جهان سوم، به‌ویژه کشورهای چند قومی خاورمیانه تهدید مهلک می‌داند. وی برای آزمون این فرضیه، وقوع اشکال جدیدی از منازعات پس از جنگ سرد، به‌ویژه منازعات مسلحانه قومی^۱ از بالکان تا آسیای مرکزی و از خاورمیانه تا جنوب شرقی آسیا را مخاطرات جدی علیه امنیت ملی کشورهای مذکور و نیز امنیت بین‌المللی می‌داند.^۲

گردش جهانی آزاد اطلاعات ایده‌ها و هویت‌های قومی را از دو طریق سیاسی کرده و توقعات فزاینده تاریخی آن‌ها را عینیت می‌بخشد:

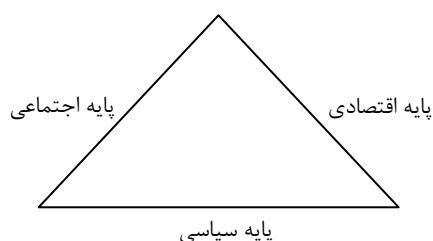
الف. با نفوذ در دیواره سنتی حاکمیت دولت‌ها، سیطره و استبداد فکری، سیاسی، ایدئولوژیک، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را متزلزل می‌کند و متقابلاً توانمندی‌های لازم برای نیروهای اجتماعی قومی فراهم می‌شود.

ب. با افزایش توانمندی‌های فکری و تحرک سیاسی نیروهای اجتماعی قومی، دسترسی بیش‌تر به گردش جهانی آزاد اطلاعات با هدف کسب آگاهی‌های بیش‌تر امکان‌پذیرتر می‌شود. بالطبع آگاهی‌های بیش‌تر نیز به افزایش قدرت مادی و معنوی نیروهای اجتماعی قومی در مقابل دولت‌ها می‌انجامد و بدین ترتیب ایده «الوین تافلر» که در کتاب «موج سوم» از اطلاعات به‌عنوان مولد آگاهی و پایه قدرت نام می‌برد، تحقق می‌یابد.

نتیجه این فرایند، دور جدیدی از تضاد بین دولت‌های حاکم بر جوامع چند قومی و نیروهای اجتماعی قومی، مذهبی، زبانی و غیره برای کسب هویت‌های تاریخی به‌وجود می‌آید. این وقایع در کشورهای چند قومی فاقد سیاست سه پایه توسعه پایدار، بیش‌تر شبیه یک تراژدی خواهد بود. سیاست سه پایه توسعه به‌دنبال ایفای سیاست‌های توأم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

1. Ethnic Armed Conflicts

1. حمید هادیان، «مبانی نظری و تئوریک مطالعات منازعات مسلحانه قومی در آفریقا و ابعاد آن» (تهران: انتشارات مؤسسه تهران، ۱۳۸۲).



مثلث سیاست سه پایه توسعه پایدار

برای مثال؛ یوگسلاوی سابق، اندونزی، عراق، شوروی سابق، ترکیه و اغلب کشورهای عربی - آفریقایی منطقه از فقدان سیاست توأم سه پایه توسعه و سیاسی شدن ایده‌ها و هویت‌های قومی دچار رنج تراژدیک شده‌اند.

۲. سیاست جدید خاورمیانه‌ای امریکا

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، در گزارش کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب ۱۱ سپتامبر درباره گروه‌های به هم پیوسته قومی تروریستی آمده است: حمایت مداوم امریکا از دولت‌های عربی استبدادی منطقه و عدم توجه به هویت‌های مذهبی موجب انباشت تهدیدات گروه‌های به هم پیوسته مذهبی - تروریستی القاعده علیه امنیت سرزمینی ایالات متحده شد. بنابراین اعمال فشار بیش‌تر امریکا به متحدین عربی واشنگتن برای در پیش گرفتن آزادسازی اقتصادی و اصلاحات سیاسی می‌تواند امریکا را به تدریج از مقوله دولت و امنیت‌سازی به مقوله دولت و دموکراسی‌سازی نزدیک کند؛ همچنان که سخنرانی اخیر وزیر خارجه این کشور در دانشگاه قاهره و دانشگاه پرینستون نشان‌دهنده تغییر سیاست خاورمیانه‌ای امریکا از ثبات و دموکراسی به دموکراسی و ثبات است. در مقوله اول، امریکا برای حفظ امنیت و منافع ملی حاضر به همکاری با هر نوع دولت و با هر سبک و مرام سیاسی بود، ولی در مقوله دوم، امریکا باید حفظ امنیت سرزمینی و منافع بلند مدت استراتژیک خود در منطقه را براساس همکاری با آن دسته دولت‌هایی استوار سازد که حاضر به اجرای اصلاحات هستند. بدیهی است که عدم توجه به مقوله دوم موجب ادغام هویت‌های قومی در سیاست‌های استبدادی منطقه شده و زمینه اتحاد بین گروه‌های به هم پیوسته مذهبی - تروریستی القاعده با هویت‌های به هم پیوسته قومی را فراهم می‌سازد.

شورای ملی اطلاعات^۱ آمریکا در برآورد استراتژیک خود از اوضاع خاورمیانه تا سال ۲۰۲۰ به نام 2020/ Vision می‌نویسد:

به‌طور کلی منطقه خاورمیانه شامل روندها و فرایندهای کلی و خطرات و شوک‌های قریب‌الوقوع سیاسی تا مقطع زمانی ۲۰۲۰ به شرح ذیل است:

۱. شکست اصلاحات سیاسی، آزادسازی اقتصادی و ظهور دولت‌های ورشکسته،^۲
۲. فوران خشونت‌های افراطی قومی، دینی، مذهبی، زبانی و از این قبیل تحت عنوان منازعات مسلحانه قومی،
۳. اشاعه و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی، بمب‌های آلوده و رادیولوژیک،
۴. ظهور قدرت‌های جدید مایه نگرانی با هدف تشکیل بلوک‌بندی‌های جدید معارض با آمریکا،
۵. شکست مذاکرات صلح فلسطین و اسرائیل و افزایش تنش و بحران در مناسبات اعراب و اسرائیل،
۶. به قدرت رسیدن بنیادگرایان اسلامی در کشورهای مسلمان و بنیادگرایان یهود در اسرائیل و بروز جنگ‌های دینی و مذهبی،
۷. بی‌سامانی سیاسی در عراق و تشدید منازعات جدایی‌طلبانه در این کشور و تسری آن به سایر کشورها.^۳

مصوبه اخیر کنگره آمریکا مبنی بر بازنگری در ساختار و نقش جامعه اطلاعاتی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، مانند گذشته، تأثیرگذاری عمیق گزارشات برآورد استراتژیک شورای ملی اطلاعات این کشور را در شکل‌دهی به سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا به‌ویژه در امور خاورمیانه مورد توجه قرار می‌دهد. البته گزارش اخیر آن شورا عمدتاً بُعد بدبینانه اوضاع خاورمیانه و احتمال بروز روندهای خطرناک را برای سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا ترسیم کرده است.

در میان عناصر نام برده شده، موضوعات اول و دوم با عنوان ظهور دولت‌های ورشکسته و بروز منازعات مسلحانه قومی اهمیت فراوانی دارد.

اغلب کشورهای عربی منطقه، پروسه ملت-دولت‌سازی خود را پس از فروپاشی

1. The National Intelligence Council (NLC)

2. Failed States

3. "The 2020Vision? The ME to 2020", Document: ME Future: *ME Quarterly*, Winter 2004.

امپراتوری عثمانی آغاز کردند. صرف‌نظر از مکانیسم غیردموکراتیک دولت‌سازی در کشورهای عربی، آن‌ها دارای هویت‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و اقلیت‌های گوناگونی هستند. بدیهی است که ظهور چهره دولت ورشکسته به‌دنبال شکست سیاست‌های اصلاحات می‌تواند این دسته کشورهای چندقومی را درگیر منازعات مسلحانه قومی کند.

در خاتمه این گزارش، برای سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا توصیه شده است: دولت آمریکا منافع و امنیت ملی خود را در پرتو گسترش و تعمیق مناسبات با ملل خاورمیانه در پیشبرد دموکراسی، اعطای حقوق خودمختاری و آزادی‌های بیش‌تر به اقلیت‌های مختلف دنبال خواهد کرد. عدم‌توجه به این مهم، می‌تواند باعث شود که تروریسم این بار از هویت‌های قومی سر در بیاورد؛ زیرا این خطر وجود دارد که گروه‌های به هم پیوسته مذهبی- تروریستی به اتحاد با گروه‌ها و هویت‌های به هم پیوسته قومی پرداخته و منازعات مسلحانه قومی، شورش‌های مسلحانه و ابرتروریسم^۱ را در منطقه اشاعه دهد.

همچنین شورای ملی اطلاعات آمریکا در راستای تدوین و توسعه سلسله پروژه‌های مطالعاتی، از جمله پروژه ۲۰۲۵ به ترسیم کانون‌های بحران در منطقه خاورمیانه بزرگ از کشمیر تا مراکش و از آسیای مرکزی تا خلیج فارس پرداخته است. به‌نظر می‌رسد که هدف مهم این شورا در تدوین پروژه مذکور اهتمام ویژه سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا به ایده‌ها و هویت‌های قومی برای پرهیز از چالش‌های کلیدی در آینده باشد. به‌عبارت دیگر این شورا به آمریکا توصیه می‌کند که با سیاسی شدن هویت‌های قومی، مدیریت سیاست‌های قومی در منطقه را به دست گرفته و مانع از وقوع تراژدی تروریسم قومی^۲ شود. تجویز مدیریت سیاست‌های قومی به دولت آمریکا با عنوان سیاست‌های هویت^۳ خوانده می‌شود. سیاست هویت بخشی از مجموعه سیاست جدید خاورمیانه‌ای دولت بوش در طرح کلان خاورمیانه بزرگ امریکا است که به‌طور اخص با حکمرانی خوب^۴ پیوند پیدا می‌کند. بنابراین مدیریت سیاست‌های قومی آمریکا با به دست‌گیری سیاست‌های هویت به‌دنبال مهندسی و معماری حکمرانی خوب است و سیاست جدید خاورمیانه‌ای دولت بوش مبتنی بر دموکراسی و ثبات در این راستا است.

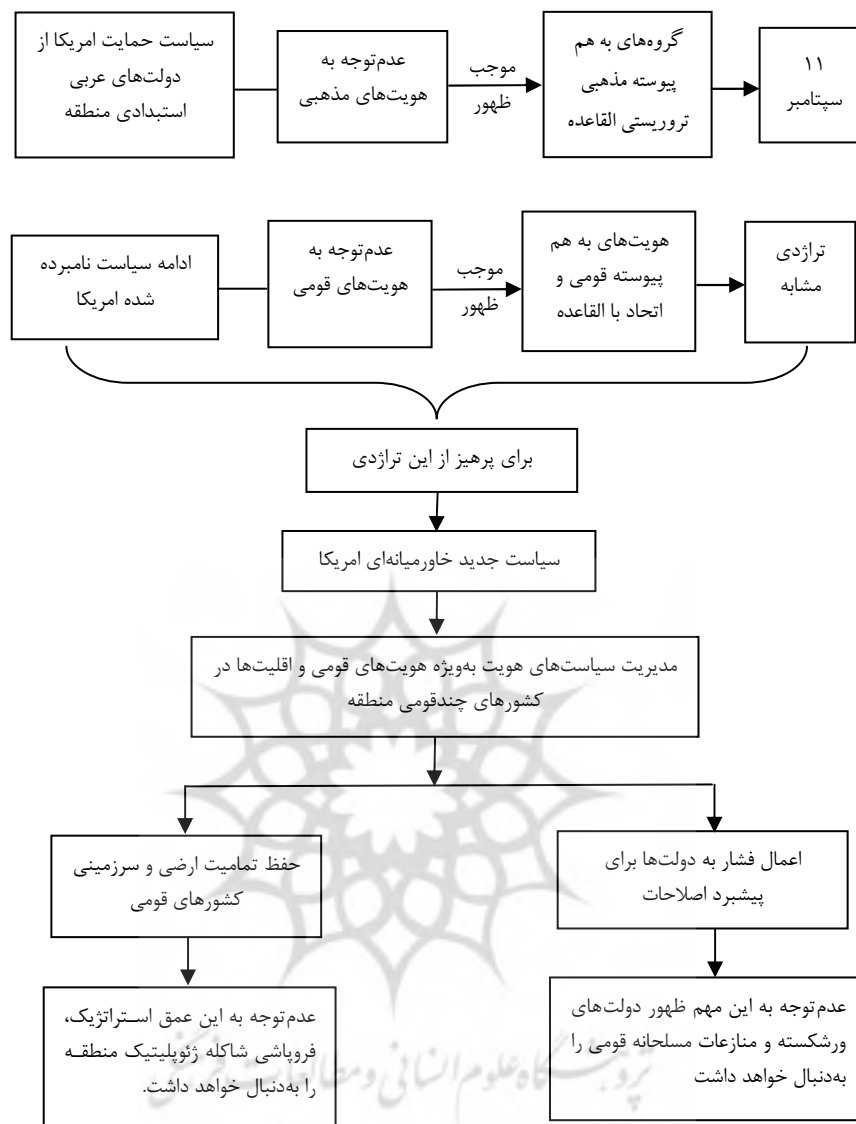
حکمرانی خوب یکی از مشخصات و ویژگی‌های دولت‌های دموکراتیک و پلورالیسم

-
1. Hyper-Terrorism
 2. Ethnic-Terrorism
 3. Identity Politics (IP)
 4. Good Governance

ناشی از آزادسازی سیاسی و اقتصادی است و دولت امریکا در طرح خاورمیانه بزرگ، متحدین عربی را برای انجام اصلاحات در این زمینه تحت فشار قرار داده است. در این مقاله درباره اهمیت سیاست‌های هویت در چارچوب کلان سیاست خاورمیانه‌ای امریکا آمده است: عدم توجه امریکا به هویت‌های مذهبی در منطقه و حمایت بی‌شائبه از برخی دولت‌های عربی استبدادی، موجب ظهور حادثه ۱۱ سپتامبر شد. بر این اساس اکنون نیز عدم توجه به هویت‌های قومی می‌تواند تراژدی مشابهی برای امریکا و متحدین استراتژیک واشنگتن در منطقه، به‌ویژه اسرائیل به‌وجود آورد.^۱



1. Mapping the Global Future: Report of the National Intelligence Council's 2025 Project, the Third Unclassified Report by NIC.



به نظر می‌رسد که ایالات متحده در مدیریت سیاست‌های هویت به‌دنبال ایجاد شبکه‌های ایمن‌سازی هویت‌ها^۱ در کشورهای چندقومی منطقه است. عمق استراتژیک این شبکه، حفظ تمامیت ارضی و سرزمینی این دسته از کشورهاست.

1. Identity Safety Networks (ISN)

به عبارت دیگر مدیریت سیاست‌های هویت با ایجاد شبکه‌های مذکور، محیط امن روانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای هویت‌ها به شرط عدم فروپاشی شاکله ژئوپلیتیک کشورهای چندقومی منطقه فراهم خواهد کرد و حتی هزینه آن را تا فروپاشی رژیم سیاسی حاکم بر این دسته از کشورها پیش خواهد برد. برای مثال؛ ایالات متحده برای حفظ تمامیت ارضی و امنیت سرزمینی عراق و افغانستان، سیاست یکپارچه‌سازی سرزمینی آن کشورها را با سیاست دولت‌سازی و تغییر رژیم متوازن کرد.

همچنین گراهام فولر نیز در کتاب دموگرافی جدید و سیاست جدید خاورمیانه‌ای امریکا، از موتور محرکه سیاسی جمعیت رو به رشد منطقه با عنوان انباشتگی جوانان^۱ نام می‌برد. مخرج مشترک مفهوم نام برده شده با مفهوم سیاست‌های هویت این خواهد بود که جوانان در رأس سیاست‌های هویت می‌توانند انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، نژادی، مذهبی و زبانی در کشورهای منطقه را پیش ببرند و منطقه خاورمیانه نیز انباشته از «باروت جوانان» است. برای مثال؛ متوسط سنی اعضای القاعده و گروه‌های جهادی در منطقه را جوانان تشکیل می‌دهند، همچنان که متوسط سنی گروه‌های جدایی طلب قومی در فیلیپین، سریلانکا، کشمیر، چین و دیگر مناطق را جوانان تشکیل می‌دهند.

این دسته مثال‌ها گویای این نکته است که سیاست‌های هویت همراه با انگیزه‌های پرتحرک جوانان می‌تواند تراژدی خطرناکی برای جغرافیای سیاسی و انسانی کشورهای چند قومی منطقه به وجود آورد و بدون شک «ایران» نیز به لحاظ دارا بودن جمعیت رو به رشد جوان و هویت‌های قومی از این قاعده مستثنا نیست.

۳. نتایج و یافته‌ها: امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، ایده‌ها و هویت‌های قومی دارای ماهیت متباین هستند. به عبارت دیگر از سنتز ماهیت متباین آن‌ها پایه‌های محکم و زیرساخت همبستگی ملی و بالعکس از تجزیه آن، زمینه‌های فروپاشی حاکمیت سرزمینی یک کشور فراهم می‌شود. همچنان که پروفیسور گراهام فولر در کتاب قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران می‌نویسد:

ناسیونالیسم ایرانی و مذهب تشیع از حکومت صفوی به بعد به حفظ شاکله جغرافیای سیاسی ایران در رویارویی با امواج سهمگین دشمنان داخلی و خارجی کمک کرده است. امروزه سعی می‌شود که در فرمول امنیت ملی کشورها بیش‌تر به بستر نرم‌افزاری امنیت

ملی، از جمله هویت‌های قومی و جوانان توجه شود و ایران نیز از این مهم مستثنا نیست. البته این گزارش سعی ندارد تا به امور سیاستگذاری، تدوین استراتژی و ترسیم دکترین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایده‌های متباین قومی بپردازد ولی بیش‌تر سعی دارد تا این مهم با توجه به استراتژی امنیت ملی امریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به بُعد آسیب‌شناسی اشاره کند.

مفاهیم جمعیت رو به رشد جوانان و سیاست‌های هویت درباره جوانان و هویت‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران کاملاً صادق است. از یکسو آمارها مؤکداً به روند رو به رشد جمعیت جوان در ایران و از سوی دیگر به پدیدار شدن سیاست‌های هویت و سیاسی شدن هویت‌های قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و غیره در استان‌های مرزی، به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر اشاره دارد. همچنین وقایع تراژدیک اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر در کشور گویای این دو پدیده مهم است (این گزارش لازم نمی‌بیند به آمارها و آنالیز در این خصوص بپردازد زیرا انواع و اشکال بولتن‌های محرمانه پیرامون این مسائل منتشر شده است).

کشورهای اروپایی پس از جنگ بوسنی در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی با برگزاری اجلاس موسوم به «کاونتری»، پیرامون ناامنی اجتماعی و شورش‌های مسلحانه خیابانی در برخی کشورها، در شهر کاونتری بریتانیا به نگرانی‌های امنیتی در برخی کلان‌شهرهای جهان از جمله تهران به لحاظ جمعیت رو به رشد جوان و نیز استان‌های مرزی ایران به لحاظ سیاست‌های هویت در قالب کانون‌های بحران ناشی از شورش‌های اجتماعی و منازعات مسلحانه قومی پرداختند.

رهیافت و نگرش این دسته اجلاس‌ها و نیز معیار فکری سیاستمداران امریکایی درباره سیاست‌های هویت و دموگرافی جدید در خاورمیانه، در چارچوب امنیت بشری مبتنی بر حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها قرار می‌گیرد. این دسته رهیافت‌ها و رویکردها، ناامنی اجتماعی و منازعات مسلحانه قومی را تهدیدی جدی علیه امنیت ملی کشورهای چندقومی و فراتر از آن‌ها علیه امنیت بین‌المللی می‌دانند. امروزه در متون جدید روابط بین‌الملل از امنیت بشری به‌عنوان ابرمتن^۱ در سطح امنیت بین‌المللی ذکر می‌شود.^۲

به‌نظر می‌رسد که تفکرات مطلق و سنتی به امنیت ملی در بستر سخت‌افزاری برای

1. Hyper Texts

2. Marina Ottaway, "Democracy and Constituencies in the Arab World, Carnegie Papers, Number 48, July, 2004, and; Richard Youngs, "Europe's Uncertain Pursuit of ME Reform, Carnegie Papers, Number 45, June 2004.

تأمین بلندمدت امنیت و منافع کشور جوابگو نیست. از نگرانی‌های موجود در فرمول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران این است که ردپای تفکرات سنتی عصر جنگ سرد در بین برخی مقامات مولد سیاست امنیت ملی و مسئولان مجری سیاست‌های متخذه امنیتی، در دوران پس از ۱۱ سپتامبر دیده می‌شود.

مراکز مطالعات علمی امنیتی و اجتماعی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مربوطه در جمهوری اسلامی ایران انبوهی از گزارشات به شکل بولتن‌های محرمانه درباره چالش‌های پیش‌رو در فرایند جمعیت رو به رشد جوان و نیز نگرانی‌های امنیتی ناشی از سیاست‌های هویت پس از ۱۱ سپتامبر را منتشر کرده‌اند. سیاست‌های هویت در استان‌های مرزی کشور و مقوله حساس جوانان بخشی از دستور کار امور سیاسی، اجتماعی و امنیتی از بخشداران و استانداران تا شوراهای تأمین امنیت استان‌ها را تشکیل می‌دهد.

از نکات مشترک در این دسته گزارشات و مقاله حاضر، پیوند بین چالش‌های جوانان و سیاست‌های هویت در قالب خشونت‌های اجتماعی و منازعات مسلحانه قومی در کشور است. اهمیت این پیوند از آنجا ناشی می‌شود که تئوری جنبش‌های اجتماعی^۱ بر مبنای بردگامی از انگیزه‌های پرتحرک جوانان و سیاست‌های هویت است که به وقوع شورش‌های اجتماعی، نامنی عمومی، منازعات مسلحانه قومی و تهدیدات مهلک داخلی و خارجی می‌پردازد. همچنین امروزه امنیت بشری در دستور کار جهانی قرار دارد. اجلاس اخیر سازمان ملل درباره بازنگری در ساختار و نقش شورای امنیت ملل متحد و نیز سیاست خارجی جدید امریکا به‌ویژه در دوره خانم رایس حول محور امنیت بشری دور می‌زند.

خانم رایس از پژوهشگران مراکز فکری امریکایی در امور ضد شوروی و بلوک شرق سابق بود. تز فکری برجسته او برقراری روابط رسمی با دولت‌ها و غیررسمی با مردم این دسته کشورها، به‌ویژه اقلیت‌های قومی و جمعیت جوان و زنان از طریق گردش جهانی آزاد اطلاعات است. بر این اساس است که مارک پالمر سفیر سابق امریکا در مجارستان در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی و پژوهشگر فعلی در انستیتو امریکایی اینتر پرایز و کمیته سیاستگذاری ایران بارها از تز خانم رایس برای معماری امور اجتماعی و امنیتی قومی ایران یاد کرده است.

اکنون سؤال این است چگونه تئوری جنبش‌های اجتماعی مکانیسم تبدیل انگیزه‌های پرتحرک و مخرب جوانان و سیاست‌های تراژدیک را در کشورهای چندقومی برآورد و محاسبه می‌کند؟ تنوع و تکثر فرهنگی و اجتماعی و جمعیت رو به رشد جوان، از یکسو فرصت‌های سازندگی

و پایه‌های استحکام ملی و از سوی دیگر چالش‌هایی جدی به‌شمار می‌آیند. تئوری جنبش‌های اجتماعی چارچوب استدلالی قوی برای تحلیل این دو پدیده تأثیرگذار اجتماعی - قومی فراهم می‌کند. این تئوری با بهره‌گیری از متدلوژی‌های تطبیقی در چارچوب چند بُعدی، به علل چالش‌های اجتماعی - قومی ناشی از نارضایتی‌های جوانان و سیاست‌های هویت می‌پردازد.

مرکز منازعات معاصر از دانشکده تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی ارتش فدرال امریکا در یکی از نشریات ادواری خود به نام *Strategic Insights* از متدلوژی‌های مذکور برای تحلیل وضعیت انتفاضه فلسطینی‌ها و تمایلات شدید قومی - مذهبی در عراق پس از سقوط صدام حسین استفاده می‌کند و اخیراً نیز با همکاری مرکز مطالعات استراتژیک امارات به برگزاری سمینار تخصصی پیرامون جوانان، زنان و اقلیت‌ها در ایران پرداخته است.

تئوری جنبش‌های اجتماعی (SMT) پیرامون وضعیت جوانان، زنان و اقلیت‌های قومی در ایران مندرج در نوشتارهای سمینار مذکور بدین شرح استدلال می‌کند:

نارضایتی جوانان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز سیاست‌های هویت، به‌ویژه هویت‌های سیاسی اقلیت‌ها در ایران می‌تواند انگیزه‌های سیاسی - قومی را برای تهدیدات جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسیج کند. نارضایتی جوانان به تدریج شکل و ماهیت گروهی و سازمانی به خود گرفته و به همراه سیاست‌های سازمان یافته هویتی می‌تواند تهدیدات نهادینه‌ای را علیه ارکان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. جوانان که انگیزه‌های پرتحرک در تشدید تهدیدات، ناآرامی‌ها و برهم زدن وضع موجود را دارا هستند در پیوند با سیاست‌های هویت، کاتالیزوری برای تشدید تمایلات قومی محسوب می‌شود. بدین ترتیب جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و قومی از بستر نهادینه شدن نارضایتی جوانان و سیاست‌های هویت سرچشمه می‌گیرد. در واقع مجاورت جغرافیایی استان‌های دارای اقلیت قومی ایران با کشورهای چند قومی منطقه می‌تواند جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و قومی را نهادینه سازد.^۱

انگیزه‌های قومی، اجتماعی و روانی در ورود جوانان به عرصه سیاست‌های هویت اهمیت بسیاری دارد. انگیزه‌های روانی جوانان به دنبال کاهش ضریب امنیت روانی آنان به تبع فقدان زندگی استاندارد، ناشی از تشدید تبعیض‌های قومی است که موجب تهدیدات نهادینه قومی - اجتماعی خواهد بود. برای مثال متوسط سنین گروه‌های جهادی در منطقه

1. Maj. Jenifer Chandler, US.AF, "The Explanatory Value of Social Movement Theory", *Strategic Insights*, Volume IV, Issues, May, 2005.

را جوانان تشکیل می‌دهند. نارضایتی جوانان از وضع موجود کشورهای عرب، آن‌ها را به گروه‌های جهادی متمایل کرده است. از منظر متدلوژی‌های تطبیقی تئوری جنبش‌های اجتماعی، متدلوژی بسیج منابع^۱ می‌تواند به علل پیوند انگیزه‌های روانی جوانان با تمایلات شدید قومی بپردازد. این متدلوژی اشعار می‌دارد که فقدان توزیع منابع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بین اقشار و طبقات اجتماعی یک کشور، زمینه‌های همبستگی اقشار مذکور را در نهادینه ساختن تهدیدات جدی فراهم می‌کند.

شورای ملی اطلاعات^۲ آمریکا با برگزاری کارگاه آموزشی در مارس ۲۰۰۴ درباره انگیزه‌های تهدیدزای اجتماعی - قومی در کشورهای چند قومی منطقه خاورمیانه یادآور شد که سیاسی شدن هویت‌های اجتماعی - قومی به‌ویژه جوانان و اقلیت‌ها در پی ناکارآمدی سیاست‌های اصلاحی در کشورهای چند قومی، موج خطرناکی از ناامنی ملی را فراهم می‌کند. در این کارگاه آموزشی اعلام شد که کشورهای چند قومی منطقه در کانون‌های بحران از جمله جمعیت رو به رشد جوانان و سیاست‌های هویت به‌سر می‌برند. بنابراین لازم است که ایالات متحده نیز در سیاست جدید خاورمیانه‌ای به نقش جوانان و اقلیت‌ها اهتمام ویژه‌ای داشته باشد. دموگرافی جوانان و قومیت‌ها پدیده‌های پویایی در طراحی استراتژی منطقه‌ای آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر به‌شمار می‌آیند. مهاجرت، توریسیم، روابط بینا فرهنگی، سرمایه‌گذاری خارجی و از این قبیل، بستگی به ثبات و امنیت داخلی این دسته از کشورها در پی تحقق استاندارد زندگی، دسترسی همگانی به ثروت و مشارکت سیاسی دارد.^۳

فرانسیس فوکویاما استاد اقتصاد سیاسی بین‌المللی در دانشگاه جان هاپکینز در یک گردهمایی علمی در انجمن سیاست خارجی آمریکا درباره پیشبرد دموکراسی در خاورمیانه گفت: پیشبرد سیاست دموکراسی‌سازی آمریکا در منطقه بستگی به ارتباط سازنده فکری، فرهنگی و اعتقادی آمریکا با جمعیت رو به رشد جوانان و اقلیت‌ها دارد. در واقع حمایت آمریکا از طریق سیاست توأم سه پایه توسعه پایدار در منطقه می‌تواند امواج تمایلات شدید قومی منطقه را مدیریت کند. فقدان این مهم از جانب آمریکا می‌تواند موجی از جدایی‌طلبی، منازعات مسلحانه قومی، شورش‌های اجتماعی و جنگ داخلی را در کشورهای منطقه دامن بزند. بدیهی است که ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و در سایه انقلاب شبکه‌ای با تحولات

1. Resources Mobilization Methodology

2. National Intelligence Council

3. Summary Report on Wilton Park / National Intelligence Council Workshop WPSO4/22, Friday 12- Sunday 14, March. 2-4.

مذکور منطقه‌ای در دو حوزه جوانان و هویت‌ها مصون نخواهد بود.^۱
خانم رایس وزیر خارجه آمریکا اخیراً در یک گردهمایی در Commonwealth Club در سان‌فرانسیسکو به روند سیاست خارجی آمریکا طی ۶۰ سال گذشته پرداخت. وی خاطر نشان ساخت که آمریکا تا قبل از ۱۱ سپتامبر هرگز حقوق بشر و امنیت بشری^۲ را در صدر برنامه‌های سیاست خاورمیانه‌ای قرار نداده بود. به اعتقاد وی طرح خاورمیانه بزرگ به شرط دموکراسی‌سازی تحقق پیدا خواهد کرد. در حالی که دموکراسی‌سازی، آمریکا را به ملل خاورمیانه و امنیت‌سازی، آمریکا را به دولت‌های منطقه نزدیک می‌کند و مقوله دوم برای امنیت ملی آمریکا کارساز نبوده است.^۳

خانم رایس در ۲۳ ماه مه سال جاری میلادی در جلسه سالانه AIPAC^۴ در واشنگتن گفت: سیاست امنیت‌سازی آمریکا در منطقه خاورمیانه به ضرر منافع ملی کشور تمام شده است. دولت واشنگتن باید به حمایت از دموکراسی و آزادی بپردازد. ملل خاورمیانه هنوز با شک و تردید به سیاست جدید خاورمیانه‌ای آمریکا می‌نگرند و اعتمادسازی عمیق فکری، فرهنگی و اجتماعی آمریکا با ملل منطقه می‌تواند امنیت ملی آمریکا و دموکراسی جوامع خاورمیانه را تحقق بخشد.

جورج بوش رئیس جمهور آمریکا نیز در سخنرانی اخیر خود در انجمن جمهوریخواهان بین‌المللی آمریکا گفت: دستگاه دیپلماسی آمریکا سرگرم تغییر سیاست خاورمیانه‌ای است و سیاست جدید آمریکا اعتمادسازی ملی با کشورهای خاورمیانه را در چارچوب پیشبرد دموکراسی دنبال می‌کند. تروریسم، سیاست‌های استبدادی، ضدیت با آمریکا و احساسات ضدیهودی، ناشی از فقر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای منطقه است.

مجلس نمایندگان آمریکا در ۱۸ مارس سال جاری میلادی با تنظیم گزارشی پیرامون انتخاب‌های سیاسی آمریکا در قبال ایران به‌طور خلاصه موارد ذیل را مطرح می‌کند:

کمیته سیاستگذاری ایران در برآورد سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی از ایران مدعی است که روند تسلیحاتی، نارضایتی عمومی و سیاست‌های شدید هویت‌های قومی به همراه سیاست خارجی ایدئولوژی‌گرای جمهوری اسلامی ایران، ضرورت اتخاذ انتخاب‌های جدی برای

1. Francis Fukuyama, "Do we Really Know how to Promote Democracy?", New York: Democracy Forum, *FPA*.
2. Human Security
3. "A US. Historical Admission: We did not Support Freedom and Democracy; Decide to Change this Policy", www.ArabicNews.com.
4. American Isreal Public Affairs Commission

دولت واشنگتن در برابر جمهوری اسلامی ایران را ایجاب می‌کند. برای اتخاذ سیاست‌های جدی و ملموس دولت واشنگتن در قبال جمهوری اسلامی ایران، این کمیته با برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور پروفسور ریموند تانتر عضو سابق شورای امنیت ملی، سپهبد بازنشسته ادوارد رونی عضو سابق گفتگوهای کاهش تسلیحات آمریکا و شوروی، پل لونتال از انستیتو کنترل هسته‌ای، دکتر نیل لیونگستون از سازمان امنیت جهانی، پروفسور مالکوم رئیس انستیتو استراتژی دموکراسی‌سازی و رئیس سابق انستیتو جمهوریخواهان بین‌المللی، کاپیتان بازنشسته چوک ناش از انستیتو تکنولوژی‌های نوظهور بین‌المللی از نیروی دریایی، سرهنگ دوم بازنشسته تفنگدار دریایی بیل کومن متخصص در امور جنگ‌های داخلی و چارلی لوپز مدیر اجرایی کمیته سیاستگذاری امور ایران، مترصد فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای تصمیم‌گیری فوری دولت بوش در برابر مسائل حساس جمهوری اسلامی ایران است.^۱

در یکی از دستور کارهای این کمیته درباره مسائل جاری ایران آمده است:

از تهدیدات جدی ایران علیه منافع بلندمدت آمریکا در منطقه، تشدید موج ناراضیاتی عمومی و تمایلات شدید قومی است که می‌تواند دامنه شورش‌های داخلی را به کشورهای منطقه تسری دهد. حضور القاعده در منطقه می‌تواند سیاست‌های کینه‌توزانه تروریستی را نسبت به آمریکا و اسرائیل در سطح منطقه‌ای دامن بزند.

به نظر می‌رسد که مدیریت متمرکز سیاستگذاری خارجی و امنیت ملی آمریکا در دور دوم ریاست جمهوری بوش با حضور خانم رایس در پست وزیر خارجه، هدلی بول در پست مشاور امنیت ملی، نگروپونته به‌عنوان رئیس جامعه اطلاعاتی، پل ولفوویتز در پست رئیس بانک جهانی و جان بولتن در پست رئیس هیأت نمایندگی آمریکا در سازمان ملل، ترسیم حساب شده سیاست خارجی متشکل آمریکا در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را نشان می‌دهد. برگزاری کنفرانس دموکراسی و امنیت جهانی با حضور ۹۲ وزیر کشور در استانبول در ۱۹ خرداد سال جاری میلادی، به‌ویژه در امور جوانان و اقلیت‌ها قابل‌اهتمام ویژه‌ای است. به نظر می‌رسد که محور چالش‌های اجتماعی جوانان و سیاست‌های قومی، تهدید جدی علیه صلح و امنیت جهانی تلقی می‌شود. شرکت‌کنندگان این کنفرانس معتقدند که چالش‌های اجتماعی و قومی در کشورهای منطقه بعد فراملی دارد، بنابراین دموکراسی‌سازی در منطقه پایه مستحکم صلح و امنیت ملی تلقی می‌شود.

1. Congress of the U.S., House of Representatives, IPC, US. Policy Options for Iran, Washington, March. 18, 2005.

منابع و مآخذ

۱. هادیان، حمید. «تجارب طرح مارشال برای طرح خاورمیانه بزرگ»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰، نیمه دوم فروردین ۱۳۸۳.
۲. هادیان، حمید. «مبانی نظری و تئوریک مطالعات منازعات مسلحانه قومی در آفریقا و ابعاد آن» (تهران: انتشارات مؤسسه تهران، ۱۳۸۲).
3. Graham E. Fuller, *The Youth Factor: The New Demographics of The ME and The Implications for US Policy* (US, the Brookings Institute, SABAN Center, 2004).
4. Jack Snyder, *Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition*, (Haca: Cornell University Press, 1991).
5. "The 2020 Vision? The ME to 2020", Document: ME Future, *ME Quarterly*, Winter 2004.
6. Mapping the Global Future: Report of the National Intelligence Council's 2025 Project, the Third Unclassified Report by NIC
7. Marina Ottaway, "Democracy and Constituencies in the Arab World, *Carnegie Papers*, Number 48, July, 2004, and; Richard Youngs, "Europe's Uncertain Pursuit of ME Reform, *Carnegie Papers*, Number 45, June 2004.
8. Maj. Jenifer Chandler, US.AF, "The Explanatory Value of Social Movement Theory", *Strategic Insights*, Volume IV, Issues, May, 2005.
9. Summary Report on Wilton Park / National Intelligence Council Workshop WPSO4/22, Friday 12- Sunday 14, March. 2-4.
10. Francis Fukuyama, "Do we Really Know how to Promote Democracy?", New York: Democracy Forum, *FPA*.
11. "A US. Historical Admission: We did not Support Freedom and Democracy; Decide to Change this Policy", www.ArabicNews.com.
12. Congress of the U.S., House of Representatives, IPC, US. Policy Options for Iran, Washington, March. 18, 2005.
13. www.cia.Intelligence Community